

درس اول : سافتمان جمله در زبان فارسی

نگارش جملات صحیح و دستوری پایه و اساس هر نوع نوشته ای است. اگر نتوان جملاتی صحیح که دارای ساختاری مناسب با محتوای متن و سطح تحصیلات مخاطب باشد نوشت، نمی توان به هدف اصلی هر نویسنده که تاثیر گذاشتن بر مخاطب است دست یافت. از این رو پیش از ورود به مباحث اصلی در این درس نگاهی ساختاری به ساختمان جمله در زبان فارسی خواهد شد تا آمادگی لازم فراهم گردد.

❖ لایه های ساختاری جمله:

مثال: این کتاب را دیروز صبح از نمایشگاه کتاب تهران خریدم چون مدت ها دنبالش می گشتم.

۱. واژه : این ، کتاب ، را ، دیروز ، صبح ، از ، نمایشگاه ، کتاب ، تهران ، خریدم ، چون ، مدت ها ، دنبالش ، می گشتم.
۲. گروه : این کتاب را - دیروز صبح - از نمایشگاه کتاب تهران - خریدم - چون مدت ها - دنبالش می گشتم.
۳. بند : { این کتاب را دیروز صبح از نمایشگاه کتاب تهران خریدم } { چون مدت ها دنبالش می گشتم }.
۴. جمله : { این کتاب را دیروز صبح از نمایشگاه کتاب تهران خریدم چون مدت ها دنبالش می گشتم }.

❖ تعریف گروه:

مجموعه ای از واژه ها که از نظر معنایی به هم پیوسته باشند و فاقد فعل و فاعل هستند ، می توانند به تنهایی فعل یا فاعل باشند . یک واژه از میان واژه های گروه هسته ی اصلی گروه است.

❖ انواع گروه:

۱. گروه اسمی : این گروه متشکل است از یک اسم هسته و چند وابسته پسین و پیشین است .
مثال : آن کتاب گران قیمت = آن {وابسته پیشین} کتاب {هسته} گران قیمت {وابسته ی پسین}
 ۲. گروه فعلی : مثال - فروخته شده است
 ۳. گروه حرف اضافی : مثال: {در میان جمعیت} یا {در ساعت نه صبح} یا {به علت نداشتن پول کافی} *** حرف اضافی {هسته} +
گروه اسمی {وابسته پسین}
- نکته ۱: وابسته ی پیشین در گروه حرف اضافی نمی آید.
 - ✓ نقش گروه حرف اضافی در جمله (۱) نقش قیدی (۲) نقش توصیفی
 - ✓ نقش قیدی: رایج ترین شکل قید (زمان ، مکان ، علت)
 - ✓ نکته ۲: سوال رایج برای پیدا کردن گروه حرف اضافی قیدی (کی ، کجا، چگونه) است.

مثال (مکان) : علی در میان جمعیت گم شده بود. مثال (زمان) : در ساعت نه صبح بیدار شد.

مثال (علت) : به علت نداشتن پول کافی از سفر منصرف شد.

✓ نقش توصیفی: در اینجا گروه حرف اضافی به توصیف اسم قبل از خود می پردازد.

مثال: دانش آموز کنار دیوار ظاهر آکمی افسرده است.

✓ نکته ۳: سوال رایج برای پیدا کردن گروه حرف اضافی توصیفی (کدام) است.

❖ تعریف بند:

بند واحدی کوچکتر از جمله و بزرگتر از گروه و دارای فاعل و فعل است و از دو یا چند گروه در کنار هم تشکیل می شود.

➤ بند با توجه به نقش خود در جمله دو نوع است: (۱) پایه (۲) پیرو

۱. بند پایه: بند اصلی (استقلال دستوری و معنایی) دارد و جمله بدون آن کامل نیست هر جمله حداقل یک بند پایه دارد و پیام اصلی جمله را تشکیل می دهد.

۲. بند پیرو: از خود استقلالی ندارد.

مثال: چون ماشینم {فاعل} خراب شده بود {فعل} = بند پیرو {فاعل من محذوف} به موقع به محل قرارم نرسیدم {فعل} = بند پایه

بند پیرو ۳ نوع است: (۱) بند قیدی (۲) بند توصیفی (۳) بند اسمی

مثال (بند قیدی) = وقتی سر پیچ رسیدم {پیرو} مجبور شدم سرعتم را کم کنم {پایه}

مثال (بند توصیفی) = تصاویری که از تلویزیون پخش شد {پیرو} بسیار درد ناک بود. {پایه}

✓ نکته ۱: بند توصیفی درون بند پایه قرار می گیرد.

✓ نکته ۲: سوال رایج برای پیدا کردن بند توصیفی (کدام) است.

بند اسمی: نقش اسم در بند پایه را ایفا می کند اگر حذف شود در حقیقت یکی از ارکان بند پایه حذف می شود و باعث غیر دستوری شدن جمله می شود. بند اسمی می تواند در جایگاه فاعل، مفعول، متمم در بند پایه ظاهر شود.

مثال: این که حساب بانکی شما پر باشد یا نباشد برای آنها فرقی ندارد.

✓ نکته: اگر بند اسمی در جایگاه فاعل باشد با «این که» می آید، کلمه ی پرسشی «چه چیزی» نشان دهنده ی جایگاه فاعلی است.

صورت دوم این مثال: برای آنها فرقی نمی کند که حساب بانکی شما پر باشد یا نباشد. {می توان به انتها برد که در این حالت این حذف می شود.}

❖ تعریف جمله:

جمله بزرگترین واحد متن قبل از پاراگراف است و واحدهای سازنده ی آن بندهای پایه و پیرو هستند.

انواع جمله: ۱- ساده {فقط یک بند پایه} ۲- مشتق {یک بند پایه و یک یا چند بند پیرو (قیدی، توصیفی، اسمی) دارد.} = مثال توصیفی:

کتابی که در دست دارید {بند توصیفی} برای این درس مناسب نیست {بند پایه}

۳- مرکب { دو یا چند بند پایه بدون بند پیرو = مثال: یا باید حسابی درس خواند یا ترک تحصیل کرد. }

درس دوم : سافتمان پاراگراف و انواع جمله در آن

اگر از منظر ساختاری به متن نگاه کنیم بعد از کلمه، گروه، بند و جمله که در درس قبلی نگاهی مختصر به آنها شد، به پاراگراف و مقاله می‌رسیم و در ادامه ساختمان پاراگراف و مقاله و انواع آن را بررسی نموده و قواعد حاکم بر آن را تشریح خواهیم کرد.

اصلی‌ترین واحد سازنده ی مقاله پاراگراف است منظور از مقاله متون کوتاهی هستند که تعداد پاراگراف آنها از ۱۰ عدد تجاوز نمی‌کند؛ این نوع مقاله‌ها از سه نوع پاراگراف: { ۱- پاراگراف مقدمه ۲- پاراگراف پشتیبان ۳- پاراگراف نتیجه‌گیری } تشکیل می‌شود. چون بحث از نگارش مقاله بدون آشنایی از ساختمان پاراگراف و روش‌های بسط آن غیرممکن است؛ در این درس و درس‌های آینده انواع مختلف پاراگراف و ویژگی‌های آن معرفی می‌گردد.

❖ شکل ظاهری پاراگراف

در پاراگراف اولین جمله باید تورفتگی داشته باشد این تورفتگی یکی از علایم سجاوندی است و مشخص می‌کند که پاراگراف قبلی تمام شده و پاراگراف جدید در حال شروع است در واقع برای تمایز پاراگراف‌ها از هم بکار می‌رود.

✓ **نکته ۱:** پاراگراف ابتدای متن چون مشخص است می‌توان بدون تورفتگی نوشت.

✓ **نکته ۲:** برای جدایی پاراگراف‌ها می‌توان یک سطر هم فاصله انداخت در این حالت هم نیاز به تورفتگی نیست. اما تورفتگی در زبان فارسی رایج‌تر است.

❖ ساختمان پاراگراف

پاراگراف به لحاظ محتوایی در برگیرنده ی یک فکر واحد است و به لحاظ نقشی که در کل متن دارد به ۴ دسته تقسیم می‌شود :

۱. پاراگراف مقدمه

۲. پاراگراف پشتیبان { این نوع پاراگراف ساختمان نسبتاً ساده ای دارد. و نسبت به بقیه دارای اهمیت بیشتری است. }

۳. پاراگراف نتیجه‌گیری

خود پاراگراف دارای سه قسمت اصلی است: {مقدمه، بخش اصلی، نتیجه‌گیری} مقدمه ی پاراگراف در قالب جمله ای بیان می‌شود که جمله‌ی موضوع نامیده می‌شود که در برگیرنده ی فکر مرکزی پاراگراف است. بعد از جمله ی موضوع یک یا چند جمله ی تحدیدی قرار می‌گیرد؛ که کارکرد آن محدود کردن جمله ی موضوع و تاکید نهادن برآن است. مهمترین بخش پاراگراف جمله ی پشتیبان است که از ادعاهای مطرح شده در موضوع پشتیبانی می‌کنند و در نهایت اگر پاراگراف طولانی باشد نویسنده می‌تواند با یک جمله ی نتیجه‌گیری جمع بندی کند.

❖ انواع جمله در پاراگراف :

۱. جمله‌ی موضوع

۲. جمله ی تحدیدی

۳. جمله ی پشتیبان

۴. جمله ی نتیجه گیری

مثال: تعداد قابل توجهی از اندیشمندان مسلمان، به جز چند استثنا، چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانی بودند (۱) {جمله موضوع} بنیان گذاران علم نحو در زبان عربی، سبویه، الفارسی و الزجاجی، همگی اصالتی ایرانی داشتند. (۲) اکثر محدثانی که در حفظ روایات و احادیث پیامبر اکرم و ائمه معصومین کوشیده اند نیز یا ایرانی بودند و یا در محیط ایران پرورش یافتند. (۳) همچنین، بیشتر متکلمان بزرگ، فقهای برجسته و مفسران قرآن نسبی ایرانی داشتند. {جمله های پشتیبان} در نتیجه می بینیم که ایرانیان سهم بسزایی در پیش برد علم و تمدن اسلامی داشتند. {جمله نتیجه گیری}

درس سوم: جمله ی موضوع و فکر مرکزی

جمله موضوع معمولاً اولین جمله پاراگراف بوده، از دو بخش تشکیل می شود:

✓ فکر مرکزی پاراگراف / اندیشه ناظر بر پاراگراف

✓ بافت لازم برای فهم فکر مرکزی

هر پاراگراف مبتنی بر یک فکر مرکزی (نکته ی اصلی یک پاراگراف) است فکر مرکزی در قالب یک یا چند کلمه، گروه یا بند در جمله ی موضوع مطرح می گردد. در مقاله های علمی وجود یک جمله ی موضوع ضرورت دارد.

❖ فکر مرکزی در جمله ی موضوع

جمله ی موضوع همان طور که از نامش پیداست موضوع مورد بحث در پاراگراف را معرفی می کند در جمله ی موضوع، هم موضوع و هم ادعایی که نویسنده نسبت به موضوع دارد مطرح می شود؛ این ادعا همان فکر مرکزی است که برای نوشتن یک پاراگراف مناسب تشخیص آن ضروری می باشد.

❖ جمله موضوع و فکر مرکزی {چند مثال ساده}:

۱. انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب دینی بود. {در واقع پاراگراف حول این خصلت یعنی دینی بودن انقلاب خواهد بود و از جنبه های دیگر بحث نمی کند.}

۲. فعالیتهای هسته ای ایران صلح جویانه است.

۳. انسان مدرن، انسانی ناآرام و همواره در جنب و جوش است.

۴. یادگیری زبان خارجی در سنین پایین تر آسانتر است.

۵. جهانی شدن مانعی برای کشورهای در حال توسعه است.

✓ **نکته:** فکر های مرکزی مطرح شده در مثال شاید به تنهایی ادعایی را نشان ندهند ولی وقتی در بافت جمله ی موضوع قرار می گیرند معنای واقعی خود را به دست می آورند.

جمله‌ی موضوع جمله‌ای خبری است که از مبتدا و خبر تشکیل شده است که موضوع اصلی پاراگراف در مبتدا و فکر مرکزی در خبر قرار می‌گیرد و فکر مرکزی بخش مهم جمله‌ی موضوع است زیرا جهت دهنده‌ی هر چیزی است که در پاراگراف مطرح می‌شود.

❖ فکر مرکزی را مشخص کنید. {تمرین}

۱. اگر بخواهیم توصیفی ساده و تقریبی از زبان بدست بدهیم، می‌توانیم بگوییم که زبان آوا و معنا را به هم پیوند می‌دهد.
۲. اعضای خانواده باید در جهت بقای کل خانواده بکوشند.
۳. موضوع نشانه‌شناسی، بررسی انتقال پیام از هر نوع است.
۴. باید پذیرفت که دیالکتیک و پدیدارشناسی هگل تاثیر بسزایی در طرح زبان‌شناسی ساختگرا داشته است.

❖ ویژگی‌های جمله‌ی موضوع

۱. جمله موضوع، قولی است که نویسنده به خواننده می‌دهد. نویسنده نباید در جمله‌های پشتیبان، که بعد از جمله موضوع قرار می‌گیرند، غیر از آنچه را که در جمله موضوع ادعا کرده است بیان کند.
۲. جمله موضوع بیان بدیهیات و واقعیاتی که نیازی به اثبات ندارند نیست، بلکه ادعایی چالش برانگیز است.
۳. جمله موضوع خبری است. یک جمله پرسشی نمی‌تواند جمله موضوع باشد. چون جمله‌ی پرسشی درصدد اثبات ادعایی نیست بلکه چیزی را زیر سوال می‌برد.
۴. لزوماً جمله‌ی موضوع یک جمله‌ی مثبت خبری نیست گاهی جمله‌ی منفی است باید در این حالت فکر مرکزی را با نفی‌ای که در جمله آمده در نظر گرفت مثلاً- تسلط یافتن به زبان خارجی در سنین میان‌سالی امکان‌پذیر نیست. {فکر مرکزی امکان‌پذیر نبودن است.}
۵. جمله موضوع نباید عام و کلی باشد. جمله موضوع باید آنقدر محدود باشد که بشود آن را در یک پاراگراف بسط داد. طول پاراگراف ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه است جمله‌ی موضوع را باید بحدی محدود کرد که بتوان در این قالب گنجانند و یا مطلب را به چند قسمت تقسیم کرد و هر قسمت را در پاراگرافی جدا بحث کرد.

✓ مثال: تحلیل گفتمان که در ابتدای نیمه‌ی دوم قرن بیستم در زبان‌شناسی متولد شده است تاکنون سه دوره‌ی تحول تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی را پشت سر گذاشته است.

فکر مرکزی این جمله‌ی موضوع فکر مرکزی مرکب است که متشکل از «تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی» است اگر چنین جمله‌ای قرار باشد در یک پاراگراف بسط یابد هر کدام از این سه دوره باید فقط در یک پاراگراف معرفی و مورد بحث قرار گیرند؛ بهتر است این جمله‌ی موضوع به سه جمله‌ی موضوع محدودتر که هر کدام در پاراگرافی مستقل به یک مرحله می‌پردازند تقسیم شود بنابراین این جمله‌ی موضوع را می‌توان به سه جمله‌ی ساده‌ی زیر بازنویسی کرد:

۱. تحلیل گفتمان ساخت‌گرا که منشا تحولات بعدی بوده است در ابتدای نیمه‌ی دوم قرن بیستم در زبان‌شناسی ساخت‌گرای آمریکایی متولد شده است.
۲. تحلیل گفتمان ساخت‌گرا در دهه‌ی ۷۰ میلادی مورد انتقاد نقش‌گرایان واقع شده، منجر به پیدایش تحلیل گفتمان نقش‌گرا می‌شود.
۳. تحلیل گفتمان نقش‌گرا نیز به نوبه‌ی خود در ابتدای دهه‌ی ۸۰ میلادی زمینه‌ی تولد تحلیل گفتمان انتقادی را فراهم می‌آورد.

❖ محدود سازی جمله موضوع

در صورتی که جمله موضوع عام و کلی است، می‌توان از چند جهت آن را محدود کرد:

۱. به لحاظ موضوعی

۲. به لحاظ زمانی

۳. به لحاظ مکانی

به مثال زیر توجه کنید:

آلودگی های زیست محیطی یکی از معضلات بشر است.

موضوع ما در این جمله آلودگی های زیست محیطی است و فکر مرکزی مربوط به آن « معضل » بودن آن است. یکی از راهکارهای محدودسازی موضوع، تقسیم بندی آن به انواع مختلف است. در این مثال بر اساس نوع آلودگی شاید بتوان آلودگی های زیست محیطی را به سه نوع آلودگی صوتی، آلودگی هوا، و آلودگی زباله تقسیم کرد. سپس می توان یکی از انواع این آلودگی ها را موضوع قرار داد، به شکل زیر:

✓ ۱. محدود سازی جمله موضوع { محدودسازی موضوعی }:

➤ آلودگی صوتی یکی از معضلات بشر است.

اما این جمله هم هنوز بسیار کلی تر و عام تر از آن است که بتوان آن را در یک پاراگراف بسط داد. شاید باز هم بتوان به لحاظ موضوعی آن را محدود کرد. آلودگی صوتی را هم می توان بر اساس منبع آلودگی به گروه های ریزتری تقسیم کرد؛ مانند آلودگی حاصل از بوق اتومبیل ها، سر و صدای موتورسیکلت ها، کارخانجات و کارگاه های کوچک، و غیره.... نتیجه چنین خواهد بود:

➤ آلودگی صوتی ناشی از بوق اتومبیل ها یکی از معضلات بشر است.

✓ ۲. محدود سازی جمله موضوع { محدودسازی زمانی }:

جمله موضوع ما کمی بهتر شده است ولی هنوز عام است. حال می توان از محدودسازی زمانی استفاده کرد. در این جمله هیچ قید زمانی وجود ندارد. در حقیقت، به لحاظ زمانی این جمله از اختراع اتومبیل تا امروز را شامل می شود. می توان این جمله به ده ساله اخیر محدود کرد؛ به شکل زیر:

➤ آلودگی صوتی ناشی از بوق اتومبیل ها در ده سال اخیر به یکی از معضلات بشری تبدیل شده است.

✓ ۳. محدود سازی جمله موضوع { محدودسازی مکانی }:

جمله موضوع ما بسیار بهتر شده است ولی هنوز یک مشکل باقی است. سوال این است: در کجا؟ در کل جهان؟ در ایران؟ در شهرهای ایران؟ به این ترتیب می توان به لحاظ مکانی نیز جمله موضوع را کاملاً محدود کرد. در اینجا می توان آن را به شهر تهران محدود کرد.

➤ آلودگی صوتی ناشی از بوق اتومبیل ها در ده سال اخیر به یکی از معضلات بشری در شهر تهران تبدیل شده است.

✓ ۴. چالشی کردن جمله:

به این ترتیب، به نظر می رسد جمله موضوع ما معیار خبری بودن و محدود بودن را به دست آورده است. اما آیا چالشی و بحث برانگیز نیز هست؟ قطعاً خیر. احتمالاً اکثراً به راحتی می پذیرند که بوق اتومبیل ها در تهران بسیار آزاردهنده است. بنا بر این، باید آن را مفروض بگیریم و ادعایی را درباره آن مطرح کنیم که بحث برانگیز باشد. این ادعا را می توان به صورت زیر بیان کرد:

➤ برای جلوگیری از آلودگی صوتی ناشی از بوق اتومبیلها در سالهای اخیر در تهران باید جریمه ی سنگینی معادل پنجاه هزار تومان برای بوق زدن در محل های ممنوع وضع کرد.

به این ترتیب، یک جمله موضوع عام و کلی به کمک محدودسازی موضوعی، زمانی، و مکانی ابتدا محدود شده است. سپس، از یک جمله ای که به بیان واقعیات بدیهی می پرداخت به یک جمله چالشی تبدیل شده است.

درس چهارم: جمله های تحدیدی

نوع دیگری از جمله که گاه در پاراگراف مورد استفاده قرار می گیرد و مرتبط با جمله ی موضوع است جمله ی تحدیدی است. این جمله حاوی مطالبی است که در راستای مخالفت با فکر مرکزی پاراگراف و محدود کننده ی آن است. جمله ی تحدیدی بسته به نظر نویسنده ممکن است قبل از جمله ی موضوع یا بعد از آن به کار برود.

۱. جمله ی تحدیدی در ابتدای پاراگراف

در این حالت، ابتدا در قالب یک یا چند جمله ی تحدیدی آن جنبه از بحث که نویسنده با آن قصد مخالفت دارد ارائه می گردد سپس، به کمک کلمه یا عبارتی مانند «اما»، «ولی»، و «با این وجود» نویسنده چرخشی ناگهانی به سمت جمله ی موضوع می کند و فکر مرکزی را مطرح می سازد.

✓ مثال: هر کسی تاب تحمل ساعت های طولانی تمرین، دردها و رنج ها، و جراحات های احتمالی را در انتظار یک دونده ی ماراتون است ندارد. (۱) آیا این همه تلاش واقعا ارزشش را دارد؟ (۲) یک دونده ی تازه کار حتما از خود می پرسد چه ارتباطی بین زندگی واقعی و دویدن ۴۲ کیلومتر مسافت وجود دارد. (۳) {اولول۳ = جمله ی تحدیدی} **باین وجود**، غروری که بعد از پایان اولین ماراتون به آدمی دست می دهد آن تلاش و کوشش را ارزشمند می سازد. (۴) {جمله ی موضوع} برای دوندگان کهنه کار ماراتون، دویدن مسافت های طولانی عین زندگی واقعی است و چیزهای دیگر یا صرفا تفریح و سرگرمی اند یا دردسر و گرفتاری. (۵) {جمله ی پشتیبان}

۲. جمله ی تحدیدی در میان پاراگراف

در این حالت جمله ی تحدیدی بعد از جمله ی موضوع می آید. بعد از جمله ی تحدیدی، نویسنده تغییر جهتی به سمت جمله های پشتیبان انجام می دهد و به بسط جمله ی موضوع می پردازد. و این چرخش در ابتدای جمله ی پشتیبان توسط «اما» انجام می گیرد.

✓ مثال: اثر گل خانه ای که در اثر آن درجه ی حرارت اتمسفر زمین به علت سوختن هیدرو کربن ها افزایش می یابد ممکن است در طی یک یا دو دهه ی آینده عواقب وخیمی برای سیاره ی ما داشته باشد. {جمله ی موضوع} درست است که پیش از این حوادث هولناک مشابه ای روی داده اند و از آن ها جان سالم به در برده ایم {جمله ی تحدیدی}

اما این بار تفاوتی مهم وجود دارد. اطلاعات ما درباره ی اثر گلخانه‌ای بسیار بیشتر از چیزهایی است که درباره ی حمله ی موجودات فضایی یا جهش ژنی در اثر آزمایش بمب اتمی می دانیم. اثر گلخانه ای هم اکنون در راه است و دلایل محکمی در اختیار داریم که نشان می دهد نه تنها اثر گلخانه ای به تاخیر نخواهد افتاد و سرعت اش کم نخواهد شد بلکه مانند یک بمب اتم بزرگ سطح زمین را دگرگون خواهد کرد. {جملات پشتیبان}

درس پنجم: جمله های پشتیبان و نتیجه گیری

جمله ی موضوع فکر مرکزی را مطرح می کند و جمله ی تحدیدی زمینه را برای طرح آن فراهم می کند و جمله ی پشتیبان فکر مرکزی را بسط می دهد و از آن حمایت می کند از این رو همواره بعد از جمله ی موضوع و تحدیدی می آید و تعداد آن بسته به شرایط یک یا چند جمله است.

❖ انواع جمله های پشتیبان

با توجه به نوع رابطه ای که ممکن است میان جمله های پشتیبان و جمله ی موضوع وجود داشته باشد می توان آن ها را به دو نوع تقسیم کرد:

۱. **جمله پشتیبان اصلی**: جمله ای است که مستقیماً به اندیشه ناظر مطرح شده درجمله موضوع مربوط است و به طرق مختلف از جمله ی موضوع حمایت کرده و به بسط آن می پردازد.
۲. **جمله پشتیبان فرعی**: اگر یکی از جمله های پشتیبان نیاز به بسط بیشتری داشته باشد می توان جمله هایی به آن افزود که به طور غیرمستقیم و به واسطه جمله پشتیبان اصلی به جمله موضوع ربط پیدا می کند و این جملات پشتیبان فرعی هستند.

✓ مثال برای پاراگرافی با جمله های پشتیبان اصلی :

تعداد قابل توجهی از اندیشمندان مسلمان، به جز چند استثنا، چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانی بودند (۱) {جمله ی موضوع} بنیان گذاران علم نحو در زبان عربی، سیبویه، الفارسی و الزجاجی، همگی اصالتی ایرانی داشتند (۲) اکثر محدثانی که در حفظ روایات و احادیث پیامبر اکرم و ائمه معصومین کوشیده اند نیز یا ایرانی بودند و یا در محیط ایران پرورش یافتند (۳) همچنین، بیشتر متکلمان بزرگ، فقهای برجسته و مفسران قرآن نسبی ایرانی داشتند. (۴) {جملات پشتیبان اصلی} در نتیجه می بینیم که ایرانیان سهم بسزایی در پیشبرد علم و تمدن و اسلامی داشتند. {جمله ی نتیجه گیری}

✓ مثال برای پاراگرافی با جمله های پشتیبان اصلی و فرعی :

تعداد قابل توجهی از اندیشمندان مسلمان، به جز چند استثنا، چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانی بودند. (۱) {جمله ی موضوع} بنیان گذاران علم نحو در زبان عربی سیبویه، الفارسی و الزجاجی بودند که همگی اصالتی ایرانی

داشتند. {جمله ی پشتیبان اصلی} آنها چون در محیطی زندگی می کردند که زبان رایج در آن عربی بود این زبان را

آموختند و قواعد دستور زبان آن را مدون ساخته و به یک رشته علمی مبدل کردند. {جمله ی پشتیبان فرعی} (۲) اکثر

محدثانی که در حفظ روایات و احادیث پیامبر اکرم و ائمه معصومین کوشیدند نیز یا ایرانی بودند و یا در محیط ایران

پرورش یافتند. {جمله ی پشتیبان اصلی} شیخ طوسی، شیخ صدوق، علامه مجلسی و آیت الله مرعشی نجفی از جمله

برجسته ترین این محدثان هستند. {جمله ی پشتیبان فرعی} (۳) همچنین، بیشتر متکلمان بزرگ، فقهای برجسته و

مفسران قرآن نسبی ایرانی داشتند. {جمله ی پشتیبان اصلی} از این گروه شاید بتوان متکلم بزرگ خواجه نصیر الدین

طوسی، فقهایی چون شیخ انصاری، صاحب جواهر، میرزای قمی، و آخوند خراسانی و مفسرانی چون محمد جریر

طبری، فیض کاشانی، علامه طبرسی و علامه طباطبایی را نام برد. {جمله ی پشتیبان فرعی} در نتیجه می بینیم که

ایرانیان سهم بسزایی در پشبرد علم و تمدن اسلامی داشتند. {جمله ی نتیجه گیری}

❖ جمله ی نتیجه گیری

به جمله ی پایانی پاراگراف که برای جمع بندی مطالب کل پاراگراف بکار می رود جمله ی نتیجه گیری می گویند.

✓ نکته ۱: نوشتن جمله ی نتیجه گیری در پاراگراف های طولانی و پیچیده برای اطمینان از درک بهتر خواننده ضروری است.

✓ نکته ۲: چون جمله ی نتیجه گیری بازگویی مجدد مطالبی است که در جمله ی موضوع بیان شده است پس باید به خاطر داشت هنگام بازگویی از طرح نکته ی جدید پرهیز کرد.

✓ نکته ۳: هدف از جمله ی نتیجه گیری بازگویی مجدد پیام اصلی پاراگراف با کلمات و عباراتی جدید است.

✓ مثال برای جمله ی نتیجه گیری:

آیت الله بروجردی علی رغم ملاحظاتی که برخی روشنفکران دینی مطرح می کنند، در تاریخ حوزه های علمیه ی شیعه عالمی نوگرا و متجدد بوده است. ایشان رسالت حوزه های علمیه ی تشیع را در ابعاد بین المللی تعریف می کردند. اعزام نمایندگان به برخی از کشورهای غربی از جمله محمد محققى به آلمان و آقای مهدی حائری به آمریکا و تاسیس مراکزی در آنجا برای اشاعه ی فرهنگ اسلامی شاهدهی براین مدعاست. حمایت از راه اندازی و اشاعه ی مطبوعات اطلاع رسانی دینی و حوزوی در سطح کشور از جمله ی تلاش های این مرد بزرگ بوده است. تاسیس مجله «حکمت»، «مکتب اسلام» و «مکتب تشیع» در زمان ایشان، نقش قابل توجهی در به راه انداختن فعالیت های مطبوعاتی حوزه در حیطه ی فرهنگ دینی داشته است. کادر سازی و تربیت نیروی انسانی کارآمد و قوی در حوزه ی علمیه قم نشان دهنده ی درک تشکیلاتی فوق العاده ی این فقیه ژرف اندیش بوده است. استاد مطهری، امام موسی صدر تنها دو دست پرورده ی همین حوزه ی علمیه هستند که مشابهان

فراوانی دارند. این موارد نشان می دهد که این مراجع تقلید از ضرورت ها و اقتضائات دنیای متجدد نو به خوبی

مطلع بودند و سعی می کردند از آنها به نفع اهداف دینی استفاده کنند. { جمله ی نتیجه گیری }

درس ششم: الگوهای سافتاری پاراگراف

بر اساس توصیه ی نویسندگان مجرب رایج ترین مکان قرار گرفتن جمله ی موضوع در ابتدا یا نزدیک به ابتدای پاراگراف است. اما نویسندگان ماهر از الگوی پیچیده تری نیز بهره می برند. در واقع محل قرار گرفتن جمله ی موضوع بسته به این است که نویسنده کدامیک از راهکارهای بسط پاراگراف را برگزیده باشد.

انواع راهکار برای بسط پاراگراف عبارتند از:

۱. پاراگراف مستقیم

۲. پاراگراف چرخشی

۳. پاراگراف تعلیقی

❖ پاراگراف مستقیم

پیش از این گفته شد که به لحاظ محتوایی پاراگراف ها ۴ دسته هستند از جمله: { پاراگراف مقدمه ، پاراگراف پشتیبان، پاراگراف انتقالی ، پاراگراف نتیجه گیری } پاراگراف مستقیم الگوی رایج برای نگارش پاراگراف های پشتیبان است. در این نوع پاراگراف ها جمله های پشتیبان بعد از جمله ی موضوع قرار می گیرند.

✓ مثال: اثر گل خانه ای که در اثر آن درجه ی حرارت اتمسفر زمین به علت سوختن هیدرو کربن ها افزایش می یابد

ممکن است در طی یک یا دو دهه ی آینده عواقب وخیمی برای سیاره ی ما داشته باشد. { جمله ی موضوع } درست

است که پیش از این حوادث هولناک مشابه ای روی داده اند و از آن ها جان سالم به در برده ایم { جمله ی تمهیدی }

اما این بار تفاوتی مهم وجود دارد. اطلاعات ما درباره ی اثر گلخانه ای بسیار بیشتر از چیزهایی است که درباره ی

حمله ی موجودات فضایی یا جهش ژنی در اثر آزمایش بمب اتمی می دانیم. اثر گلخانه ای هم اکنون در راه است

و دلایل محکمی در اختیار داریم که نشان می دهد نه تنها اثر گلخانه ای به تاخیر نخواهد افتاد و سرعت اش کم

نخواهد شد بلکه مانند یک بمب اتم بزرگ سطح زمین را دگرگون خواهد کرد. { جملات پشتیبان }

✓ نکته : فکر مرکزی در این مثال « عواقب وخیم اثر گلخانه ای » است.

❖ پاراگراف چرخشی

در این نوع پاراگراف جمله ی موضوع از ابتدای پاراگراف فاصله می گیرد و بیان آن به تاخیر می افتد و به کمک یک یا دو جمله ی تحدیدی بر علیه آن موضع گیری می شود؛ در نتیجه در این نوع پاراگراف چرخشی تند به سوی جمله ی موضوع صورت می گیرد و این چرخش به کمک کلمه هایی مانند «اما»، «ولی»، «در حالی که» و مانند آن که نشان دهنده ی نوعی تضاد هستند عملی می گردد.

نکته: این نوع پاراگراف زیاد رایج نیست ولی می تواند باعث تنوع در نوشته شود.

✓ مثال: بر اساس توصیه نویسندگان مجرب و آنچه در بسیاری از کتاب های نگارش آمده است رایج ترین مکان قرار گرفتن جمله ی موضوع در ابتدا یا نزدیک به ابتدای پاراگراف است. مثال هایی که تاکنون در این فصل ارائه شد همگی از این الگو تبعیت می کنند. {جمله ی تحدیدی} اما نویسندگان ماهر علاوه بر این الگوی معمول از الگوهای پیچیده تری نیز بهره می گیرند. {جمله ی موضوع} در واقع محل قرار گرفتن جمله موضوع بسته به این است که نویسنده کدامیک از راهکارهای سه گانه ی زیر را برای بسط پاراگراف برگزیده باشد: پاراگراف مستقیم، پاراگراف چرخشی، پاراگراف تعلیقی. {جمله ی پشتیبان}

✓ **نکته:** در این مثال فکر مرکزی «الگوهای پیچیده تر» می باشد.

❖ پاراگراف تعلیقی

در این الگو به جای ایجاد چرخشی ناگهانی، پاراگراف طوری نوشته می شود که بتدریج به نقطه ی اوج منتهی می شود به این نوع پاراگراف، پاراگراف اوجی می گویند که نقطه ی اوج همان جمله ی موضوع و فکر مرکزی است. در واقع، این نوع پاراگراف حرکت اش را با بحث و یا مثال یا توصیف شروع می کند و با معلق نگه داشتن نکته ی اصلی، خواننده را تا آخر پاراگراف منتظر نگه می دارد تا این که در آخرین جمله یعنی جمله ی موضوع این تعلیق را می شکند و نکته ی اصلی را بیان می کند.

✓ مثال: در اوایل قرن چهاردهم، اروپای شمالی دچار قحطی دهشتناکی شد. در این حین، بی ثباتی اقتصادی باعث شد تا همه ی پادشاهی ها ورشکسته شوند. بعد، در سال های ۱۳۴۸-۱۳۵۰ بدترین طاعون تاریخ این قاره را به تباهی کشاند و شاید نیمی از جمعیت آن را کشت. {جملات بحث} بنابراین، چندان جای تعجب نیست که این دوره، دوره ی ناآرامی های عمیق سیاسی و اجتماعی بود؛ ثبات ظاهری فتودالیسم از مواجهه با این فاجعه های گوناگون عاجز ماند. {جمله ی موضوع}

درس هفتم: وحدت موضوعی پاراگراف

وحدت موضوعی رابطه ای عمودی است که میان جمله های پشتیبان و اندیشه ی ناظر بر پاراگراف برقرار است. اگر چنین رابطه ای میان کلیه ی جمله های پشتیبان یک پاراگراف و جمله ی موضوع آن برقرار باشد آن پاراگراف دارای وحدت موضوعی است. اما نکته ی اصلی در این است که این رابطه از چه نوعی است. چگونگی این رابطه به روش بسط پاراگراف بستگی دارد.

❖ راهکار بسط جمله موضوع

۱. بسط جمله موضوع با مثال آوری
۲. بسط جمله موضوع با توصیف
۳. بسط جمله موضوع با استدلال
۴. بسط جمله موضوع با روایت

❖ بسط جمله موضوع با مثال

مثال یکی از رایج ترین شیوه های بسط اندیشه ناظر بر پاراگراف است. در این روش نویسنده از یک یا چند مثال یا داستانی کوتاه برای تبیین سخن خود، قانع ساختن مخاطب، و یا سرگرم کردن او بهره می گیرد. او بجای دلیل آوردن یا توضیح دادن، با بیان یک یا چند نمونه ی عملی خواننده را مواجه با عمل می کند و به این ترتیب می تواند راحت تر سخن خود را به او بقبولاند. برای آزمودن صحت روش مثال آوری می توان از کلماتی، «مثلاً» «به عنوان نمونه»، «به عنوان مثال» مانند آن استفاده کرد.

❖ ویژگی های یک مثال خوب

- ✓ خاص : مثال های کلی وچند پهلو که به ذهن هر کسی می رسد کارایی لازم را ندارد.
- ✓ نمادین
- ✓ جذاب

❖ انواع مثال ها

به سه روش می توان از مثال استفاده کرد:

۱. استفاده از مثال های کوتاه
۲. استفاده از مثال مبسوط
۳. استفاده از یک مثال روایی

• بسط جمله موضوع با مثال های کوتاه:

در مثال کوتاه در قالب یک کلمه، عبارت یا جمله بیان می شود و ساختار پاراگرافی که از مثال های کوتاه تشکیل شده است مبتنی بر ساختار عمومی پاراگراف ها است. به این معنا که دارای جمله ی موضوع و جملات پشتیبان اصلی و فرعی است. در مثال زیر از مثال های کوتاه که هر یک در قالب یک جمله بیان شده اند استفاده شده است.

✓ **مثال ۱:** موضوع اصلی فیلم های اصغر فرهادی، وجود بی اخلاقی به ویژه دروغ در جامعه ایران و آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی آن است تم اصلی فیلم «چهارشنبه سوری» درباره رابطه پنهانی و مخفیانه مردی با زن همسایه و دروغ های پی در پی وی در مقابل شک همسرش است. بیماری عصبی زن خانه و وضعیت نابهنجار خانواده و استرس فوق العاده مرد داستان در اثر این پنهان کاری و دروغ هاست که البته سرانجام به دادخواست طلاق و جدایی ختم می گردد. همچنین در فیلم «درباره الی» دروغگوهای بیشتری را می بینیم که از اول تا آخر فیلم به دلایل مختلفی به هم دروغ می گویند. دروغ الی به مادرش، دروغ های گلشیفته فراهانی به همسرش و بقیه گروه، دروغ های شهاب حسینی به دیگران، دروغ به زن صاحب ویلا، دروغ نامزد الی به بقیه، دروغ دسته جمعی به نامزد الی و ...

اوضاع وحشتناک تری را ترسیم می کند که البته اثر آن درگیری های شدید، دلخوری، خراب شدن سفر و از همه مهم تر مرگ یک انسان است. و بالاخره فرهادی در فیلم « جدایی نادر از سیمین » به ما گوشزد می کند که چگونه در بزنگاه ها و به خطر افتادن منافع شخصی و خانوادگی، روی ارزشهای اخلاقی و دینی و فرهنگی پا می گذاریم و تمام سعی خود را انجام می دهیم تا آن را برای خود و دیگران توجیه کنیم.

✓ مثال ۲: رابطه ی قدرت میان جوامع انسانی سبب می شود، زبان جوامع فرا دست واژه ها، اصطلاحات و صورت های بیانی خود را بر زبان جوامع فرو دست تحمیل کند. در حوزه ی تمدن ایرانی اسلامی، چیرگی اعراب بر ایرانیان، سبب شد تا زبان عربی به عنوان زبان اسلامی و سپس زبان علمی و فرهنگی بر زبان فارسی برتری یابد. از این طریق هزاران واژه ی عربی و همچنین صورت های بیانی آن به فارسی راه یافت؛ تا جایی که به سبب فرادستی زبان عربی و فرودستی زبان فارسی، ایرانیان در گسترش دامنه ی زبان عربی و واژگان علمی، فلسفی، فقهی، کلامی و عرفانی آن سهمی قابل توجه ایفا کردند. آنها اکثر واژگان مورد نیاز خود را نیز در این زمینه ها از زبان عربی وام گرفتند. همچنین، در دوره ی معاصر، بسط قدرت جهانگیر تمدن جدید غرب، ایرانیان را متوجه این امر کرد که دیگر زبان فارسی بدون وام گیری و جذب مفاهیم و اصطلاحات زبان مدرن غرب، نمی تواند میان دار ما و تمدن جدید غرب باشد. از این رو، از زمان مشروطه، وام گیری گسترده ی زبان فارسی از زبان مدرن غربی آغاز شد و ما امروز با هزاران واژه ی وام گرفته از زبان غربی در موزه ی زندگی روزمره تا قلمروهای تفصیلی گوناگون روبرو هستیم.

• بسط جمله موضوع با مثال مبسوط:

✓ مثال ۱: باید به این نکته توجه داشت که به هنگام جانمایی، یک دال علاوه بر مدلول اولیه ی خود، به مدلول دیگری نیز پیوند می خورد به عبارت ساده تر فرض کنید نشانه ی « کنه » از پیوند دال « کنه » به مدلول « کنه » پدید آمده باشد؛ و نشانه ی « آدم سمج » نیز به همین ترتیب، از پیوند دال و مدلول آدم سمج تشکیل شده باشد. در چنین شرایطی دال « کنه » علاوه بر مدلول « کنه » به مدلول « آدم سمج » پیوند خواهد خورد و در نتیجه، واژه ی « کنه » از دو معنی برخوردار خواهد شد. به همین دلیل است که جانمایی معنایی و به ویژه استعاره، یکی از مهمترین عوامل پیدایش چندمعنایی به حساب می آید.

✓ مثال ۲: انتقال مفاهیم از طریق سینما و فیلم، بدون یادگیری ادبیات سینما و فیلم امکان پذیر نیست. برای مثال، برای بیان مفهوم گذر زمان در سینما از « دیزالو » استفاده می شود. دیزالو، شگردی در تدوین است که مفهوم گذر زمان را نه با گفتگو بلکه با چگونگی اتصال دو نما به یکدیگر توضیح می دهد. در این شیوه، تصویر الف به تدریج محو و تصویر ب جایگزین آن می شود که البته طول زمان این جایگزینی بسته به جای آن متفاوت است و از نیم ثانیه تا چند ثانیه طول می کشد. دیزالو علاوه بر گذشت زمان، برای انتقال صحنه، تغییر چهره، فلاش بک، فلاش فوروارد، پیوند مکانی، مقایسه و تأکید بر جزئیات نیز استفاده میشود. دیزالو سریع به معنی تغییرات سریع و دیزالو طولانی به معنی تغییر تدریجی سوژه است.

• بسط جمله موضوع با یک مثال روایی:

✓ مثال ۱: یکی از اصول تبلیغی و تربیتی در سیره پیامبر گرامی اسلام، نرمش در مسائل شخصی و صلابت در مسائل اصولی و بنیادی است. روزی پیامبر در حالی که روانه مسجد بود با فردی مواجه می شود که ادعای طلبی از او داشت. پیامبر فرمود تو از من طلبی نداری، به علاوه پولی به همراهم نیست. شخص بر ادعای خود اصرار می ورزید و مانع حرکت پیامبر می شد. هر چه پیامبر بیشتر مدارا می کرد او بیشتر خسونت می ورزید تا آنجا که با پیامبر گلاویز شد و ردای حضرت را به دور گردنش پیچید و کشید که اثر قرمزیش در گردن پیامبر ظاهر

شد. با تأخیر پیامبر، اصحاب نگران شده متوجه می شوند فردی یهودی چنین ادعائی دارد. آنها خواستند خشونت به خرج دهند که پیامبر مانع شد و آنقدر نرمش نشان داد که آن فرد مسلمان گشت. در مقابل این نرمش، وقتی که زنی از اشراف قریش دزدی کرده بود و وساطت ها برای عدم اجراء حد شروع شد پیامبر فرمود محال و ممتنع است که من قانون اسلام را تعطیل کنم.

✓ **مثال ۲:** گاه کمی خلاقیت در بیان نیازها و خواسته ها می تواند راحت تر ما را به هدف برساند. مرد کوری روی پله های ساختمانی نشسته و کلاه و تابلویی را در کنار پایش قرار داده بود. روی تابلو خوانده می شد «من کور هستم لطفا کمک کنید» روزنامه نگار خلاق از کنار او می گذشت نگاهی به او انداخت فقط چند سکه در داخل کلاه بود. او چند سکه ی دیگر داخل کلاه انداخت و بدون اینکه از مرد کور اجازه بگیرد تابلوی او را برداشت، آن را برگرداند، چیز دیگری روی آن نوشت، تابلو را کنار پای او گذاشت و آنجا را ترک کرد. عصر آن روز روزنامه نگار به آن محل برگشت و متوجه شد که کلاه مرد کور پر از سکه و اسکناس شده است. مرد کور از صدای قدم های او خبرنگار را شناخت و خواست اگر او همان کسی است که آن تابلو را نوشته است بگوید چه نوشته است. روزنامه نگار جواب داد «چیز خاص و مهمی نبود، من فقط نوشته شما را به شکل دیگری نوشتم» بعد لبخندی زد و به راه خود ادامه داد. مرد کور هیچ وقت ندانست که او چه نوشته است ولی روی تابلوی او خوانده می شد: «امروز بهار است، ولی من نمیتوانم آن را ببینم»

❖ بسط جمله موضوع با توصیف

توصیف شامل بیان فرآیند انجام یک کار یا برشمردن ویژگی های یک چیز می شود. در این روش، غالباً با استفاده از یافته های مبتنی بر حواس پنجگانه ویژگی های شاخص موضوع مورد نظر بیان می گردد. توصیف در واقع مشاهده دقیق جزئیات به واسطه حواس و بازنمایی دقیق این جزئیات به واسطه کلماتی است که با وسواس انتخاب شده اند. عمل توصیف لزوماً شبیه کار یک دوربین بی احساس و بی اعتنا نیست؛ بلکه گاه از این فراتر می رود و با احساسات در می آمیزد. از این رو، دو گونه توصیف را می توان از هم بازشناخت:

۱. توصیف عینی

۲. توصیف ذهنی

❖ توصیف عینی

توصیف عینی کارآمد موضوع مورد نظر را به وضوح و عیناً همانگونه که خارج از قلمرو احساسات وجود دارد بازنمایی می کند. توصیف عینی زبانی غیرشخصی دارد و نویسنده مانند ناظری بی احساس عیناً آنچه که هست را توصیف می کند. اکثر متون علمی و فنی، مانند توصیف چگونگی کارکرد قلب و اجزای دیگر بدن و توصیف آزمایشات علمی و فنی توصیف عینی محسوب می شوند.

✓ **مثال:** عده کمی از مردم **ویژگیهای اصلی الماس** را می دانند (۱) الماس از کربن خالص ساخته می شود و به شکل بلور است. (۲) الماس ها اشکال مختلفی دارند: بعضی هشت وجهی و بعضی چهل و هشت وجهی اند. (۳) به علاوه، الماس سخت ترین ماده ای است که تاکنون در جهان شناخته شده است و از این رو اسیدها تاثیری بر آن ندارند. (۴) اما در عین حال الماس شی ای درخشان و شکننده است. (۵) برای جلا دادن آن باید از نوعی روغن و پودر الماس استفاده کرد.

❖ توصیف ذهنی:

توصیف ذهنی نیز باید واضح و مستقیم باشد اما در عین حال نوعی حس را در مورد پدیده توصیف شده به خواننده القا کند. توصیف ذهنی، که گاه توصیف احساسی نیز نامیده می شود، همراه با توصیف دقیق جزئیات به دنبال برانگیختن احساسات خواننده و رساندن پیامی جز توصیف صرف است. این نوع توصیف که در بردارنده نگرشهای شخصی نویسنده است کاربرد وسیعی به ویژه در ادبیات داستانی دارد.

✓ مثال: باران هنگامه کرده بود. باد چنگمی انداخت و می خواست زمین را از جا بکند. درختان کهن به جان یکدیگر افتاده بودند. از جنگل صدای شیون زنی که زجر می کشید می آمد. غرش باد آوازهای خاموشی را افسار گسیخته کرده بود. رشته های باران آسمان تیره را به زمین گل آلود می دوخت. نهرها طغیان کرده و آب ها از هر طرف جاری بود.

❖ فنون نگارش توصیفی

۱. تاثیر واحد: فقط یک نکته را مورد تاکید قرار دهید.
۲. گزینش واژگان: کلمات را به دقت انتخاب کنید و بیشتر از کلمات ذات استفاده کنید نه معنا.
۳. زاویه دید: برای توصیف موضوع مورد نظرتان منظری خاص انتخاب کنید.
۴. انسجام: جزئیات را با نظمی مشخص ارائه کنید.

➤ **تاثیر واحد در توصیف**: هنگام توصیف بویژه در توصیف ذهنی نویسنده بدنبال ایجاد یک تاثیر واحد بر خواننده است. از این رو نباید کلماتی که برای توصیف استفاده می شوند تاثیر متناقض بر او بگذارد، همه ی توصیف ها باید فقط یک نکته را در برداشته باشد. فن اصلی برای ایجاد این تاثیر واحد استفاده از صنعت ادبی تصویر سازی است. صنایع ادبی دیگری در توصیف موثرند از جمله: تشبیه، استعاره و تشخیص می باشد.

✓ **نکته**: هنگام استفاده از این صنایع ادبی {استعاره و تشبیه} باید از ترکیبات کهنه و کلیشه ای مانند «چون آب خوردن آدم می کشد» و یا «چون باد می دود» پرهیز کرد.

➤ **گزینش واژگان در توصیف**: کاری که هنگام توصیف انجام می گیرد پشتیبانی از کلیات و مفاهیم عام به کمک کلمات خاص است. بعبارتی دیگر اسامی تقسیم می شوند به: ۱. عام {بو} و خاص {بوی گل، بوی گل مریم} ۲. ذات {چیزهای دارای جسم و قابل لمس مثل لاستیک، سیب زمینی و غیره...} و معنا {امور انتزاعی مانند خوبی، ناراحتی، زیبایی و غیره...} که کلمات و عبارت های ذات و خاص تر کاربرد بیشتری در توصیف دارند.

➤ **زاویه دید در توصیف**: برای توصیف، نویسنده مجبور است زاویه خاصی را انتخاب کرده، از آن منظر به موضوعی که توصیف می کند بنگرد. منظور از زاویه دید این است که نویسنده باید تصمیم بگیرد که خود در صحنه حضور داشته باشد، مخاطب را مستقیماً مورد خطاب قرار دهد، همچون ناظری که به مثابه یک دانای کل است صحنه را توصیف کند. از این رو، زاویه دید به سه دسته تقسیم می شود:

۱. اول شخص

۲. دوم شخص

۳. سوم شخص

● بسط جمله موضوع با توصیف زاویه دید اول شخص

اگر راوی یا توصیف کننده خود درگیر در ماجرا باشد و در صحنه حضور داشته باشد، متن دارای زاویه دید اول شخص است. اصولاً زاویه دید اول شخص غالباً برای ایجاد رابطه ای صمیمی و نزدیک با خواننده و همچنین برای بیان تجربیات شخصی مورد استفاده قرار می گیرد و در نوشته های رسمی و علمی چندان کاربردی ندارد. به دلیل این که نویسنده یا راوی خود در داستان حضور دارد، در این نوع زاویه دید از ضمیر اول شخص «من» و «ما» و ضمیر متصل «م» استفاده می شود.

✓ مثال: اثر « یکی بود و یکی نبود » از مجموعه « رجل سیاسی » نوشته زیر بخشی از داستان محمدعلی جمال زاده است: می پرسی چطور شد مرد سیاسی شدم و سری میان سرها در آوردم. خودت باید بدانی که چهار سال پیش مردم بودم، حلاج و کارم حلاجی و پنبه زنی. روز می شد دو هزار، روز می شد یک تومان در می آوردم و شام که می شد یک من نان سنگک و پنج سیر گوشت را هر جور بود، به خانه می بردم. اما زن ناقص العقلم هر شب بنای سرزنش را گذاشته و می گفت: هی برو زه زه سر پا بنشین...، پنبه بزنی و شب با ریش و پشم تار عنکبوتی به خانه» برگرد، در صورتی که همسایه مان حاج علی که یک سال پیش آه نداشت با ناله سودا کند، کم کم داخل آدم شده و برو بیایی پیدا کرده و زنش می گوید که همین روزها هم وکیل مجلس می شود با ماهی صد تومان دو هزاری چرخی و هزار احترام! اما تو تا لب لحد باید زه زه پنبه بزنی! کاش کلاهت هم یک خورده پشم داشت!»

● بسط جمله موضوع با توصیف زاویه دید دوم شخص

نوع دوم زاویه دید، یعنی زاویه دید دوم شخص ابزاری است برای مورد خطاب قرار دادن مخاطب متن در درون متن. این زاویه دید بیشتر برای نگارش دستوالعمل مفید است. در این زاویه دید افعال و ضمائر دوم شخص و امری به کار می روند، مانند: « ابتدا برنامه را نصب کنید»، «ساختار مناسبی را برای این کار اتخاذ کنید» و « فرهنگ لغت را باز کنید و کلمات راهنمای صفحه ۲۵۶ را بنویسید» و غیره.

● بسط جمله موضوع با توصیف زاویه دید سوم شخص

در زاویه دید سوم شخص، توصیف کننده یا راوی از صحنه و داستان فاصله داشته، خارج از آن قرار دارد و فقط ناظر است. در این زاویه دید همانطور که از نامش پیداست از افعال و ضمائر سوم شخص (مفرد و یا جمع) مانند «رفت» «دید»، «آوردند» «آنها»، «او» و اسامی افراد استفاده می شود.

✓ مثال: واژه «فلسفه» کلمه ای یونانی است و به معنای دانش یا دوست دار دانش به کاررفته است. در زبان عربی کلمه حکمت و علم مترادف فلسفه می باشد. اخوان الصفا آغاز فلسفه را محبت دانش ها، وسط آن را شناخت موجودات به حسب قدرت انسان و پایان آن را گفتار و کردار موافق دانش می داند. فارابی نیز فیلسوف کامل را کسی می داند که ادراکات را به افعال در خود و دیگران متصل کند.

➤ انسجام در توصیف: در توصیف باید جزئیات را با نظم و ترتیب ارائه کرد در واقع باید متن انسجام داشته باشد.

❖ بسط جمله موضوع با توصیف در نوشته های علمی

در نوشته های علمی و دانشگاهی، توصیف باید مطابق با واقع و عینی باشد. مهمترین انواع توصیف در متون علمی عبارتند از:

۱. توصیف ویژگی های فیزیکی و شیمیایی: خصیصه های یک شیء مانند مقوله، ابعاد، رنگ، مواد تشکیل دهنده، شکل، بافت، غلظت، چگالی...
۲. توصیف ترکیب: اجزایی که یک کل را می سازند
۳. توصیف موقعیت: وضعیت جغرافیایی و مکانی
۴. توصیف کارکرد / کار ویژه: چگونگی عملکرد و کارکرد یک چیز
۵. توصیف فرآیند دستوری: مراحل انجام یک کار
۶. توصیف فرآیند طبیعی: مراحل اتفاق افتاد یک رویداد
۷. توصیف ویژگیهای یک امر انتزاعی: صفتها و خصیصه های یک امر انتزاعی

➤ **توصیف ویژگیهای فیزیکی و شیمیایی: خصیصه های یک شیء مانند مقوله، ابعاد، رنگ، مواد تشکیل دهنده، شکل، بافت، غلظت، چگالی...**

✓ **مثال:** آب دارای خواص شیمیایی و فیزیکی ویژه است. مولکول آب از دو اتم هیدروژن و یک اتم اکسیژن تشکیل شده است که با پیوندهای کووالانس به هم متصل شده اند. اتمهای هیدروژن دارای بار مثبت بوده، با زاویه ی نزدیک به ۱۰۵ درجه در اطراف اتم اکسیژن قرار گرفته اند. این وضعیت باعث قطبی شدن پیوندهای مولکول آب می شود. همچنین، آب ماده ای بی بو، بی رنگ و بی طعم است و خواص ویژه ای دارد که آن را از دیگر مایعات متمایز کرده است. ظرفیت گرمایی بالا، افزایش غیرعادی حجم به هنگام انجماد، کشش سطحی بالا، و بالا بودن گرمای نهان تغییر فاز برخی از این خواص ویژه هستند. دلیل بسیاری از این خاصیت ها وجود پیوند هیدروژنی در میان مولکول های آب است. آب در محدوده دمایی وسیعی، بین ۰ تا ۱۰۰ درجه سانتی گراد، یعنی بین دمای انجماد و جوش، یک مایع باقی می ماند. اغلب بخش های کره ی زمین که دارای حیات هستند، در این محدوده دمایی قرار دارند. و سر انجام، آب گرمای ویژه بسیار بالایی دارد که بدین معنی است که می تواند گرمای بیشتری را قبل از تغییر دمایش از دست دهد و یا به دست آورد.

➤ **توصیف ترکیب: اجزایی که یک کل را می سازند**

✓ **مثال:** جان برناردز در کتاب «درآمدی به مطالعات خانواده» سه محور اصلی را دنبال می کند. وی در فصل های ابتدایی کتاب با پاره ای تحلیل های پست-مدرنیستی راجع به خانواده شروع کرده، می گوید با ارائه ی مصادیق مختلفی از همزیستی های خانوادگی، تعریف یکپارچه از خانواده راتخریب کند. در همین فصول به دشواری های نظری و عملی در شناخت خانواده اشاره می کند تا مبادا این تصور شکل بگیرد که خانواده واحدی شناخته شده و بی نیاز از تعریف است. در فصل های میانی به مقوله هایی در زندگی خانوادگی می پردازد که معمولا از دید خانواده-پژوهان دور مانده است؛ موضوعاتی نظیر تأثیر خرید، رابطه ی خرید با کودکان و زنان، تأثیر مراسم آیینی در حفظ همبستگی های خانوادگی و مطالعه ی آن در جوامع اقلیت انگلیسی. در فصل های پایانی، نویسنده می گوید با ابداع مفاهیمی نو مانند «شهروندی خانوادگی» راهبردهایی به دست دهد که به پاسداشت خانواده در بهترین اشکال آن بیانجامد.

➤ **توصیف موقعیت: وضعیت جغرافیایی و مکانی**

✓ **مثال:** در ورودی بنا در شمال شرقی مدرسه و رو به خیابان ناصر خسرو باز می شود. این دروازه به شیوه ی معماری سنتی دارای طاق زنجیره ای بلندی است. در دو سوی درگاه دو ستون استوانه ای نقره ای رنگ طاق این دروازه را نگه داشته است. درست بالای در دو لنگه ای چوبی و قهوه ای رنگ مدرسه، واژه ی دارالفنون و سال تأسیس آن ۱۲۶۸ قمری را بر کاشی نوشته اند. این در که در یکی از چهار کنج مدرسه قرار دارد به فضایی هشتی مانند باز می شود که از سوی دیگر به فضای حیاط راه دارد. ساختمان دو طبقه مدرسه در

زمینی به شکل مستطیل بنا شده است. در رأس هر چهار ضلع، چهار پلکان مارپیچی، طبقه ی پایین مدرسه را به طبقه ی بالا متصل می کند. در حاشیه ی بیرونی پله ها نرده ای آهنی نصب شده است که مانع از سقوط افراد می شود. ساختمان کنونی سی و دو کلاس درس دارد: دوازده کلاس در دو طبقه ی ضلع شرقی و به همان اندازه در ضلع غربی و هشت کلاس در دو طبقه ی ضلع شمالی. سالن های نمایش و غذاخوری نیز در ضلع جنوبی ساخته شده اند. آنچه در دارالفنون دیده می شود سادگی با معنا و بی پیرایگی سازگار با خلق و خوی بنیان گذار اولیه آن، امیرکبیر، است. سادگی ای که هر دانشجو و دانش پژوهی را به اندیشه و عمل می دارد. به عبارتی، دارالفنون نه فقط خانه ی فن ها و تخصص ها بلکه دارالفکر و خانه ی اندیشه و اندیشیدن است.

➤ توصیف کارکرد / کار ویژه: چگونگی عملکرد و کارکرد یک چیز

✓ مثال: تلویزیون علاوه بر کارکردهای مثبت دارای کارکردهایی منفی برای کودکان است. این کارکردهای منفی شامل کارکردهای درونی (محتوایی) و بیرونی هستند. یکی از کارکرد های محتوایی برنامه های تلویزیونی افزایش خشونت در کودکان است. ضرب و شتم، آزار و اذیت و رقابت دائمی با دیگران و دفاع خشونت آمیز از خود در این برنامه ها و فیلم ها، آثار و کارکردهایی برای کودک به همراه دارد که گاه از کنترل بزرگسالان خارج می گردد. کاهش فعالیت های جسمی و بی تحرکی کودک را می توان به عنوان نتیجه ی کارکرد منفی و بیرونی تلویزیون در نظر گرفت. کودکی که زمانی از روز را به تماشای تلویزیون اختصاص می دهد نسبت به کودکی که در این زمان به فعالیت های دیگر از جمله بازی و ورزش می پردازد، تحرک و فعالیت جسمی کمتری خواهد داشت؛ این کاستی در کودک به عوارضی همچون چاقی و برخی بیماری های جسمی منجر می شود.

➤ توصیف فرآیند دستوری: مراحل انجام یک کار

✓ مثال: برای ایجاد تورفتگی در ابتدای پاراگراف در ورد ۲۰۰۷ باید مراحل زیر را طی کنید. یک، مکان نما را روی پاراگراف مورد نظر بگذارید. دو، در منوی بالای صفحه روی Home کلیک کنید. سه، منوی پاراگراف را انتخاب کنید. سپس، در مستطیل باز شده، در قسمت General، ابتدا جهت متن را مشخص کنید. اگر زبان فارسی را می خواهید جهت متن را از راست به چپ انتخاب کنید. در همین قسمت نوع چینش متن را می توانید به شکل راست-چین، چپ-چین، یا وسط-چین مشخص سازید. در مرحله ی بعد، در قسمت Indentation نوع تورفتگی و مقدار آن را که ممکن است نیم یا یک سانتی متر باشد تعیین کنید. در نهایت، روی OK کلیک کنید و خارج شوید.

➤ توصیف فرآیند طبیعی: مراحل اتفاق افتاد یک رویداد

✓ مثال: از نظر جامعه شناسان، اجتماعی شدن که عبارت است از فرایند یادگیری روش زندگی و ارزش های اجتماعی در طی دو مرحله ی کلی به وقوع می پیوندد. مرحله ی اول، که اجتماعی شدن اولیه نامیده می شود، در دوران کودکی رخ می دهد. در این ایام کودک زبان و الگوهای اساسی رفتار را اغلب در خانواده می آموزد. مرحله ی بعد، اجتماعی شدن ثانویه، از کودکی تا دوران بلوغ ادامه پیدا می کند. در این مرحله، کنش اجتماعی در محیط هایی چون، مدرسه گروه های همسالان و سازمان ها به افراد کمک می کند الگوهای فرهنگی را بیاموزند. بنابراین اجتماعی شدن، فرآیندی مادام العمر است که طی آن انتقال فرهنگ در نسل ها به تدریج صورت می پذیرد.

➤ توصیف ویژگی های یک امر انتزاعی: صفتها و خصیصه های یک امر انتزاعی

✓ مثال: واژه ی «فلسفه» کلمه ای یونانی است و به معنای دانش یا دوست دار دانش به کار رفته است. در زبان عربی کلمه ی حکمت و علم مترادف فلسفه است. اخوان الصفا آغاز فلسفه را محبت دانشها، وسط آن را شناخت موجودات به حسب قدرت انسان و پایان آن را گفتار و کردار موافق دانش می داند. فارابی نیز فیلسوف کامل را کسی می داند که ادراکات را به افعال در خود و دیگران متصل کند

❖ بسط جمله ی موضوع با استدلال

استدلال یکی از موثرترین روش ها برای اثبات فکر مرکزی پاراگراف است. قوت استدلال نشان دهنده منطق نهفته در اندیشه های نویسنده است. بنا بر این، باید بسیار با دقت به آن پرداخت. انواع پاراگراف های استدلالی را می توان به دو گونه تقسیم کرد:

۱. استدلال استقرایی

۲. استدلال قیاسی

➤ **استدلال استقرایی:** استدلال استقرایی به گونه ای است که در آن نویسنده برای اثبات ادعای خود، که در جمله موضوع بیان شده است،

دلایلی را در قالب جمله های پشتیبان ذکر می کند. این نوع پاراگراف از آن رو استقرایی نامیده می شود که برای اثبات درستی جمله موضوع {گزاره کلی} از دلایلی که در جمله های پشتیبان ارائه می شود {گزاره های جزء} استفاده می شود. در واقع از درستی جزء به درستی کل می رسیم و یک حرکت از جزء به کل در اینجا وجود دارد.

برای آزمودن استدلال استقرایی از کلمه «زیرا» باید استفاده کرد.

جمله ی موضوع (====) زیرا جمله پشتیبان اصلی ۱

جمله پشتیبان اصلی ۲

جمله پشتیبان اصلی ۳

جمله پشتیبان اصلی ۴

✓ مثال: اگرچه نوشتن یکی از نیازهای اساسی هر فرد دانشگاهی است، ولی نوشته های بیشتر دانش آموختگان دانشگاه های ایران

دارای مشکلاتی جدی است. علی رغم سختی طبیعی نوشتن و نیاز به توجه بیشتر به آن، در نظام آموزشی مدارس و پیش دانشگاهی توجه جدی به آموزش اصول نگارش نشده است {بمله ی موضوع، ادعا: ضعف نوشتاری دانش آموختگان دانشگاه های ایران}. جای پرداختن

به این موضوع درس انشاء است ولی {الف} زنگ انشاء بیشتر به تفریح می گذرد زیرا {ا} نه معلمی که تخصص اش نگارش باشد وجود دارد؛ نه {ب} به معلمان موجود در تحصیلات دانشگاهی شان این اصول آموزش داده شده است مهمتر از همه اینکه {د} در

دانشگاه نیز هیچ واحد درسی ای وجود ندارد که اختصاصاً به آموزش نگارش بپردازد {الف} موضوعات مطرح شده در درس «فارسی عمومی» که یکی از واحده ایی است که می شد به این مباحث پرداخت محدود به ادبیات فارسی و تا حدودی دستور زبان فارسی است

و هیچ بحثی در خصوص پاراگراف نویسی و مقاله نویسی در آنجا مطرح نمی شود. به علاوه، {ب} در درس «روش تحقیق» نیز که جا دارد بعضی از اصول نگارش مقاله و گزارش تحقیقی مطرح شود دوباره هیچ توجهی به این مباحث نمی شود. در این درس، شاید

چگونه تحقیق کردن را بیاموزند اما {۱} نمی آموزند چگونه آموخته هایمان را سامان ببخشیم و جمله به جمله، پاراگراف به پاراگراف در نوشتار به بند بکشیم.

توضیح پاراگراف: برای اثبات جمله ی موضوع دو دلیل اصلی آورده شده است: بی توجهی به آموزش اصول نگارش در مدارس و دانشگاه. دلیل اصلی اول، بی توجهی به این مباحث در مدارس، که با {یک} مشخص شده است خود به وسیله دلیل دیگری {الف} که عبارت است از ناکارآمدی زنگ انشا پشتیبانی شده است. اما، ناکارآمدی زنگ انشا نیز خود دو دلیل دارد که عبارتند از {۱} نبود معلم اختصاصی برای نگارش و {۲} ندادن آموزش به معلمان دیگر در دوران تحصیلات دانشگاهی شان. دلیل اصلی دوم {دو}، یعنی فقدان واحد اختصاصی برای این مباحث در دانشگاه در قالب جمله ی پشتیبان اصلی دوم مطرح شده است. این جمله ی پشتیبان اصلی به واسطه ی دو جمله ی پشتیبان فرعی {الف} و {ب} بسط داده شده است. پشتیبان فرعی دوم {ب} به نوبه ی خود جمله ی پشتیبان دیگری {۱} را طلبیده است.

➤ آزمون وحدت موضوعی در استدلال استقرایی

از کجا می توان فهمید دلایل مطرح شده واقعا دلایلی برای ادعای مطرح شده در جمله ی موضوع به حساب می آیند؟ پاسخ به این سوال به وحدت موضوعی مربوط است. در خصوص پاراگراف مثالی گفتیم که می توان با قرار دادن «مثلا» میان جمله ی موضوع و مثال مورد نظر وحدت موضوعی را آزمود. اما برای پاراگراف های استدلالی استقرایی این کار را می توان به راحتی با قرار دادن کلمه ی «زیرا» میان جمله ی موضوع و جمله ی پشتیبان انجام داد.

✓ نوشته های بیشتر دانش آموختگان دانشگاه های ایران دارای مشکلاتی جدی است، **زیرا** در نظام آموزشی مدارس و پیش دانشگاهی توجه جدی به آموزش اصول نگارش نشده است.

✓ نوشته های بیشتر دانش آموختگان دانشگاه های ایران دارای مشکلاتی جدی است، **زیرا** در دانشگاه هیچ واحد درسی ای وجود ندارد که اختصاصا به آموزش نگارش بپردازد.

این دو جمله به نظر کاملا معنادار می آیند و دارای وحدت موضوعی هستند. سپس، باید وحدت موضوعی جملات پشتیبان فرعی را نسبت به جملات پشتیبان اصلی مربوطه سنجید. مثلا، نسبت جمله ی پشتیبان اصلی دوم و پشتیبان های فرعی مربوط به آن به قرار زیر است:

✓ در دانشگاه هیچ واحد درسی ای وجود ندارد که اختصاصا به آموزش نگارش بپردازد، زیرا موضوعات مطرح شده در درس «فارسی عمومی» که یکی از واحدهایی است که می شد به این مباحث پرداخت محدود به ادبیات فارسی و تا حدودی دستور زبان فارسی است و هیچ بحثی درخصوص پاراگراف نویسی و مقاله نویسی در آنجا مطرح نمی شود.

✓ در دانشگاه هیچ واحد درسی ای وجود ندارد که اختصاصا به آموزش نگارش بپردازد، زیرا در درس «روش تحقیق» که جا دارد بعضی از اصول نگارش مقاله و گزارش تحقیقی مطرح شود هیچ توجهی به این مباحث نمی شود.

همان طور که ملاحظه می شود نسبت پشتیبان فرعی به اصلی مانند نسبت پشتیبان اصلی به جمله ی موضوع است. به هر حال، در پاراگرافی که دارای وحدت موضوعی است این روابط به درستی برقرار است.

گاهی نویسنده گزاره ای را مطرح می کند که هم خود به درستی اش اطمینان دارد وهم می داند که خواننده اش در درستی آن تردید نمی کند او نمی خواهد اثبات اش کند بلکه می خواهد پیامدهای حاصل از درستی آن گزاره را شرح دهد. به چنین نوع نگارشی استدلال قیاسی می گویند. برای آزمودن صحت این نوع استدلال از عبارت «بنابراین»، «در نتیجه» یا هر عبارتی که به این معنا باشد استفاده می شود.

✓ مثال: یک استاد دانشگاه نسبت به وقتی که دانشجو در کلاس درس اش صرف می کند تعهد سنگینی دارد. او می داند باید پیش از هر جلسه ی تدریس درباره ی موضوع آن جلسه خوب مطالعه کند تا با آمادگی کامل وبدون شک وتردید وارد کلاس شود اما این فقط بخشی از تعهد اوست. اطلاع کامل از موضوع داشتن خوب است ولی در عین حال باید با برنامه ریزی دقیق به این اطلاعات نظم بدهد تا از حداقل زمان حداکثر استفاده را بکند. مهم تر از همه این که نباید تصور کند دانشجو ظرف خالی ای است که باید با اطلاعات جدید پر شود. یک استاد خوب طوری برنامه ریزی می کند تا کلاس درس اش به فضایی برای تعامل علمی میان او و دانشجویان بدل شده، به هر دو فرصت اندیشیدن و آموختن بدهد.

❖ ترکیب روش های اصلی بسط پاراگراف

تاکنون دیدیم که چگونه هر کدام از روش های بسط جمله موضوع، پاراگراف یعنی مثال آوری، توصیف و استدلال چگونه بکار گرفته می شوند تا مدعای پاراگراف تبیین شود. اگرچه به راحتی می توان هر کدام از این روش ها را به صورت مستقل به کار گرفت ولی بیشتر نویسندگان مجرب از ترکیبی از این روش ها بهره می گیرند. در ترکیب این روش ها بسته به محتوای جمله موضوع و ترجیح نویسنده حالت های مختلفی ممکن است به وجود آید.

✓ مثال: نهضت ترجمه در قرون نخستین تمدن اسلامی تاثیر فراوانی بر رشد دانش در این تمدن داشت { جمله موضوع } . تمام نویسندگان بزرگ اسلامی به ویژه فلاسفه در تدوین آثار مهم خود به گونه ای گسترده از علوم اوائل که از راه ترجمه به آن ها منتقل شده است بهره بردند. {توصیف} محمد بن زکریای رازی، ابونصر فارابی، ابن مقفع وابن سینا از جمله خردمندانی هستند که علاوه بر تاثیر پذیری از علم وحکمت یونان در جهت غنی تر کردن این دانش ها بسیار کوشیده اند. {مثال} علت این تعامل این بوده است که مسلمانان و به طور خاص شیعیان ایرانی فراگیری دانش از هرکس وهرجا را آموزه ای اسلامی می شمردند وهراسی از طرح افکار دیگران نداشتند زیرا اسلام را دین کاملی می دانستند که نسبت به خطرات احتمالی از سوی این تفکرات مصون است. {دلیل}

درس هشتم : مقاله های پنج پاراگرافی

➤ **اجزای مقاله های پنج پاراگرافی:** ۱. پاراگراف مقدمه ۲. پاراگراف پشتیبان ۳. پاراگراف نتیجه گیری

❖ **پاراگراف مقدمه:** پاراگراف مقدمه بعد از عنوان مقاله و ذکر نام نویسنده ، اولین بخش اصلی مقاله است. چون خواننده حال و حوصله یک

پاراگراف را دارد این فرصت خوبی است برای نویسنده تا توجه خواننده را به کمک مقدمه خوب جلب کند.

➤ **اجزای پاراگراف مقدمه:** ۱. محرک ۲. عبارت انتقالی ۳. مدعای مقاله ۴. طرح مقاله

۱. **محرک :** بخشی که در آن حس کنجکاوی خواننده تحریک می شود.

روش های مختلف نگارش محرک:

برای نوشتن محرک مقاله روش های مختلفی توسط نویسندگان حرفه ای به کار گرفته شده است. از جمله:

- ✓ داستان بسیار کوتاه – داستان تکراری نباشد – برای مخاطب تازگی داشته باشد.
- ✓ استفاده از یک نقل قول جالب که در ارتباط با موضوع باشد و در این مورد منبع ذکر گردد.
- ✓ با یکی از واژه های مهم مقاله آغاز کنید.
- ✓ با ارائه واقعیت ها ، و آمار و ارقام تکان دهنده در خصوص موضوع مقاله شروع کنید حتما مأخذ اطلاعات ذکر گردد.
- ✓ با یک سوال که خواننده به پاسخ آن علاقه مند است، آغاز کنید.

۲. **عبارت انتقالی :** به کمک آن تغییر جهت به سمت آنچه که نکته ی اصلی و مدعای مقاله است ایجاد می شود.

۳. **جمله ی مدعای :** یک جمله ی خبری است که بخش اصلی مقاله می باشد. خصوصیات آن تقریباً شبیه خصوصیات جمله موضوع در پاراگراف است به عبارت دیگر، خبری است و سوالی نیست، از واقعیت ها صحبت می کند، در برگیرنده ی ادعای قابل اثبات یا رد است و مهمتر از همه چالش برانگیز است و نمی توان مقدمه ای نوشت که فاقد آن باشد.

۴. **طرح مقاله :** طرح مقاله تقسیم بندی کلی مقاله است به اجزایی کوچکتر که به مخاطب تصویری از آنچه که قرار است گفته شود می دهد.

✓ **نکته:** در پاراگراف مقدمه مورد اول و سوم (محرک و مدعای مقاله) اجباری و مورد دوم و چهارم (عبارت انتقالی و طرح مقاله) اختیاری است.

✓ **مثال: موضوع : ناکارآمدی آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایران**

وزارت آموزش و پرورش در ایران هزینه ی زیادی برای آموزش زبان انگلیسی صرف می کند. تامین حقوق تعداد بیشمار معلمان انگلیسی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان و صرف هزینه های گزاف برای تدوین و چاپ کتاب های آموزش زبان انگلیسی تنها بخش کوچکی از این هزینه هاست. مهمتر از همه، زمانی است که هر دانش آموز در طی تحصیلاتش صرف یادگیری زبان انگلیسی می کند.

{**محرک**} اما، این هزینه ها آن طور که باید نتیجه نمی دهد. {**عبارت انتقالی**} دانش آموزی که دیپلم می گیرد در حد مطلوب قادر به

تکلم زبان انگلیسی نیست. {**جمله ی مدعا**} زیرا تدوین متون آموزشی انگلیسی بر اساس نظریه های جدید آموزش زبان نیست، و

زمان اختصاص یافته به این درس ناکافی است و بیشتر معلمان انگلیسی خود قادر به تکلم به این زبان نیستند. {**طرح مقاله**}

❖ پاراگراف های پشتیبان :

دردرس های قبل در مورد پاراگراف پشتیبان بحث هایی ارائه شد که بر اساس آن بحث ها جمله ی موضوع پاراگراف های پشتیبان فقط شامل فکر مرکزی پاراگراف بود، اما برای این که پاراگراف های پشتیبان به خوبی در دل کل مقاله جای داده شوند لازم است دو بخش دیگر نیز به جمله ی موضوع آن افزوده شود: شمارش گر و یادآوری مدعا.

۱. **شمارش گر** : این شمارشگر ها به جمله ی موضوع افزوده می شوند تا در کل مقاله انسجام ایجاد شود ، اگر تعداد دلایل، تقسیم بندی ها، جنبه ها و به طور کلی اجزایی که در طرح مقاله مطرح شده اند زیاد باشد، شمارش گرها کمک می کنند تا این اجزا با نظمی مشخص ارائه شوند و خواننده دچار سردرگمی نشود.

۲. **تکرار مدعا** : در جمله ی موضوع به شکلی متفاوت تکرار شود. مدعای اصلی مقاله چیزی است که کل مقاله حول آن سامان پیدا می کند. در حقیقت همه ی اجزای مقاله بسط دهنده ی این مدعا هستند و این چیزی است که خواننده ی مقاله ما باید از آن آگاه باشد. برای این که خواننده بداند هر فکر مرکزی ای که به طور مستقل در یک پاراگراف پشتیبان بسط می یابد چگونه با مدعای اصلی مقاله مربوط است ضرورت این مدعا باید همواره در جای جای مقاله یادآوری شود.

✓ **مثال :** **موضوع: رده بندی مباحث فقهی از دیدگاه شهید صدر** { نویسنده : غلامرضا قدمی }

فقه از دیر باترین دانش های برآمده از اسلام است که نوآوری در تنظیم مباحث آن همواره مورد اهتمام فقیهان بوده است. سالربن عبدالعزیز با تقسیم فقه به عبادات و معاملات قدیمی ترین تقسیم را در فقه شیعه به خود اختصاص داده است. ابو صلاح حلبی تکالیف شرعی را در سه بخش عبادات، محرمات و احکام تعریف می کرد. افزون بر این موارد رده بندی های دیگری نیز در هر دوره ای از سوی فقیهان پیشنهاد شده است. {مسلک} اما در یکی از جدیدترین طبقه بندی های اخیر شهید محمد باقر صدر (الفتاوی الواضحه، ج ۱ ، ص ۱۳۲-۱۳۴) بر اساس شوون گوناگون زندگی انسان ، فقه را به چهار بخش عبادات ، اموال، آداب شخصی و آداب عمومی تقسیم کرده است. {مدعا}

عبادات یکی از مهمترین بخش های فقه است که در همه ی تقسیم بندی های ارائه شده برای فقه به آن توجه شده است. بخش هایی از فقه که در آن قصد غربت و تعبد شرط است عبادات نامیده می شود و در تقسیم شهید صدر کتاب های نماز، روزه، اعتکاف، حج، عمره و کفارات را در بر می گیرد.

از دسته ی دوم مباحث فقهی در این رده بندی با عنوان اموال یاد شده است. اموال خود به دو بخش اموال عمومی و خصوصی تقسیم می شود. اموال عمومی اموالی مانند خراج، انفال، خمس و زکات است که به شخص خاصی تعلق ندارد و برای مصارف مشخصی که مصالح عمومی اقتضاء می کند در نظر گرفته شده است. اموال خصوصی اموالی است که مالک یا مالکان مشخصی دارد و احکام آن در کتاب های بیع، صلح ، شرکت، وصیت ، میراث و بیان می شود.

شهید صدر دسته ی دیگر مباحث فقهی را مربوط به آداب و سلوک شخصی می داند. آداب شخصی ، اعمالی مربوط به شخص است که از عبادات و اموال متمایز است و به دو دسته ی آداب روابط خانوادگی و آداب روابط اجتماعی بخش پذیر است. روابط خانوادگی مناسبات زن و مرد و مباحث نکاح، طلاق، خلع ، ظهار ، لعان و....را در بر می گیرد. روابط اجتماعی شامل مباحثی است که اعمال فرد را در جایگاه فردی از جامعه سامان می دهد و مقررات مربوط به اطعمه و اشربه و مساکن ، آداب معاشرت، امر به معروف و نهی از منکر و.....در ذیل آن جای می گیرد.

رده بندی ارائه شده از سوی شهید صدر که مباحث فقهی را در چهار بخش عبادات ، اموال ، آداب شخصی و آداب عمومی سامان می دهد، یکی از تقسیم بندی های جامع و مانع برای فقه است . در این رده بندی، مباحث فقهی با توجه به شؤون و نیازهای گوناگون زندگی آدمی به فقه دسته بندی شده و تداخل مباحث به حداقل رسیده است.

✓ **شرح مقاله:** طرح در پاراگراف مقدمه = عبادات ، اموال ، آداب شخصی و آداب عمومی است و چهار پاراگراف پشتیبان باید این تقسیم بندی را شرح دهند. و در هر پاراگراف علاوه بر جمله ی موضوع ، شمارش گر و یادآوری مدعا نیز آورده شده است. به عنوان مثال در پاراگراف پشتیبان اول: عبادات یکی از مهمترین بخش های فقه است که در همه ی تقسیم بندی های ارائه شده برای فقه به آن توجه شده است. بخش هایی از فقه که در آن قصد غربت و تعبد شرط است عبادات نامیده می شود و در تقسیم شهید صدر کتاب های نماز، روزه، اعتکاف، حج، عمره و کفارات را در بر می گیرد. ۱- «عبادات» = فکر مرکزی ۲- «یکی از مهمترین بخش های فقه است» = شمارش گر ۳- «تقسیم بندی های ارائه شده برای فقه» = یادآوری مدعای اصلی مقاله

✓ **نکته:** می توان در پاراگراف های پشتیبان بعدی جای شمارش گر و یادآوری مدعا و فکر مرکزی را عوض کرد.

❖ پاراگراف نتیجه گیری

پاراگراف نتیجه گیری آخرین فرصتی است که در اختیار دارید تا مطمئن شوید مخاطب مطلب شما را فهمیده است ، در نتیجه گیری باید از ذکر نکته های جدید یا ادعاهای جدید پرهیز کنید چون دیگر فرصت بسط آن ها ندارید.

➤ **اجزای پاراگراف نتیجه گیری:** ۱. بازگویی مدعا { بازگویی مدعای مقاله با کلمات و عبارات جدید } ۲. خاتمه دهنده { روش اول: خاتمه به وسیله جملات محرک در ابتدای مقاله ----- روش دوم: بیان نکته ی جالب توجه که نیازی به شرح و بسط نداشته باشد. }

✓ **مثال روش اول: { مقدمه }** وزارت آموزش و پرورش در ایران هزینه ی زیادی برای آموزش زبان انگلیسی صرف می کند. تامین حقوق تعداد بیشمار معلمان انگلیسی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان و صرف هزینه های گزاف برای تدوین و چاپ کتاب های آموزش زبان انگلیسی تنها بخش کوچکی از این هزینه هاست. مهمتر از همه، زمانی است که هر دانش آموز در طی تحصیلاتش صرف یادگیری زبان انگلیسی می کند. { **محرک** } اما، این هزینه ها آن طور که باید نتیجه نمی دهد. { **عبارت انتقالی** } دانش آموزی که دیپلم می گیرد در حد مطلوب قادر به تکلم زبان انگلیس نیست. { **جمله ی مدعا** } زیرا تدوین متون آموزشی انگلیسی بر اساس نظریه های جدید آموزش زبان نیست، و زمان اختصاص یافته به این درس ناکافی است و بیشتر معلمان انگلیسی خود قادر به تکلم به این زبان نیستند.

{ **طرح مقاله** }

.....{ **پشتیبان** }

{ **نتیجه گیری** } بنابراین، عوامل مؤثر در ناکارآمدی آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایران را می توان در متون درسی مربوطه ، زمان ناکافی ای که به این درس اختصاص داده شده است و همچنین در ضعف معلمان انگلیسی خلاصه کرد . تنها با تلاش برای برطرف نمودن مشکلات فوق است که می توان به آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایران سر و سامان داد و مطمئن شد که هزینه های هنگفتی

که دولت صرف این کار می کند و زمان زیادی که فرزندانمان چه در کلاس درس و چه در بیرون از کلاس صرف انجام تکلیف های این درس می کنند به هدر نمی رود .

✓ مثال روش دوم : مقدمه

..... {پشتیبان}

{نتیجه گیری}؛ بنابراین، عوامل مؤثر در ناکارآمدی آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایران را می توان در متون درسی مربوطه ، زمان ناکافی ای که به این درس اختصاص داده شده است و همچنین در ضعف معلمان انگلیسی خلاصه کرد . اگرچه یادگیری زبان انگلیسی در مدارس، به دلایلی که ذکر شد ، کار دشواری است و نتیجه ی مطلوب نمی دهد ولی یادگیری زبان در موسسات خصوصی بسیار موفقیت آمیز است . از این روست که بسیاری از دانش آموزان در کنار دروس مدرسه به این موسسات روی می آورند و غالباً نتیجه ی مثبت هم می گیرند. آیا به راستی زمان آن نرسیده است که وزارت آموزش و پرورش فکری برای این معضل بکند؟

ساختار یک مقاله پنج پاراگرافی

<p>پاراگراف مقدمه: محرک ، عبارت انتقالی ، جمله ی مدعا ، طرح مقاله.</p>
<p>پاراگراف پشتیبان اول : جمله ی موضوع : شمارش گر ، یادآوری مدعا ، بخش اول طرح مقاله (فکر مرکزی). ادامه.....</p>
<p>پاراگراف پشتیبان دوم : جمله ی موضوع : شمارش گر ، یادآوری مدعا ، بخش اول طرح مقاله (فکر مرکزی). ادامه.....</p>
<p>پاراگراف پشتیبان سوم : جمله ی موضوع : شمارش گر ، یادآوری مدعا ، بخش اول طرح مقاله (فکر مرکزی). ادامه.....</p>
<p>پاراگراف نتیجه گیری: بازگویی مدعا، خاتمه دهنده.</p>

بر گرفته شده از کتاب اصول و روش نگارش دانشگاهی {دکتر سید علی اصغر سلطانی}

جمع آوری کننده: {فرض الهی}